این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

اخلاقی که کافر را مسلمان می‌کند

آیت‌الله حق شناس(ره)

شخصی به سپهبد امیرمؤمنان (ع) جسارت کرد، همین که فهمید به چه کسی جسارت کرده است؛ به دنبال او دوید و گفت: آقاجان! مرا ببخش! ایشان فرمودند که من به مسجد نیامده‌ام؛ مگر برای طلب آمرزش برای تو! ببینید چقدر روح بالاست! این اخلاقی است که کافر را مسلمان می کند. آیا شما هم این‌طور هستید؟ اگر کسی به شما حرفی بزند، رهایش نمی کنید! آیا این اخلاق اسلامی است؟!

منبع: کانال تلگرامی نشرِ بیانات و دستورالعمل‌های علمای اسلام

ترامپ بمیرد، تکلیف انتخابات چه خواهد شد؟

کانال تلگرامی «تفسیرگر» نوشت: ترامپ دیروز با هلیکوپتر مخصوص به بیمارستان رفت تا دوران نقاهت را طی کند. برای بسیاری این سؤال پیش آمده که اگر کاندیدای ریاست جمهوری در امریکا فوت کند انتخابات امریکا چگونه برگزار خواهد شد؟ در دوران دویست و اندی ساله دموکراسی امریکایی تاکنون هیچ موردی یافت نشده است که رئیس‌جمهور مستقر هنگام کارزار انتخاباتی فوت کند. بنابراین مواردی از عزل یا کشته شدن رئیس‌جمهور هنگام مسئولیت وجود داشته است. برای مثال پس از کشته شدن جان اف کندی، معاون او لیندون جانسون به ریاست جمهوری رسید یا با وقوع رسوایی واترگیت و عزل نیکسون جرالد فورد معاونش عهده‌دار سمت ریاست دولت شد.

حال با توجه به بدیع بودن پیشامد ابتلای ترامپ به کرونا، برخی حقوقدانان معتقدند که با توجه به اعلام رسمی کاندیداتوری وی از طرف حزب جمهوری‌خواه، دیگر امکان جایگزینی معاون اول به جای کاندیدا وجود ندارد و حتی اگر او فوت کند، باید مردم به او رأی دهند. اگر شکست خورد که هیچ، اما اگر پیروز شد مجمع حزب جمهوری‌خواه باید برای جایگزینی وی تصمیم بگیرد. نظریه فوق قطعی نیست و با توجه به بی‌سابقه بودن این اتفاق در دوران حیات سیاسی ایالات متحده، باید دید در حالت فوت ترامپ بزرگان این کشور چه تصمیمی خواهند گرفت. در اینجا لازم است این نکته را هم ذکر کنم که انتخابات امریکا با دو کاندیدا برگزار نمی‌شود و کاندیداهای دیگری هم در عرصه حضور دارند، ولی با توجه به عدم پشتیبانی رسانه‌ها، سرمایه‌داران و دو حزب اصلی ایالات متحده، کسی آنها را جدی نمی گیرد. تنها در یک مورد راس پرو، میلیاردر امریکایی در سال ۱۹۹۲ (که رقابت اصلی بین جرج بوش پدر و بیل کلینتون بود)، به صورت مستقل در انتخابات شرکت کرد و توانست حائز ۱۹ درصد آرا شود که در تاریخ انتخابات امریکا برای کاندیدایی مستقل بی‌سابقه بود. در نهایت باید گفت به احتمال بسیار زیاد رئیس‌جمهور امریکا از این بیماری جان سالم به در خواهد برد، اما از اکنون محاجه حقوقی برای دانستن سرنوشت کاندیدای حزب جمهوری‌خواه در صورت فوت ترامپ آغاز شده است.

مادر شهید که ناراحت بود...

دانیال معمار در توییتر نوشت: زنی آمده بود که پسر سومش را راهی جبهه کند. خبرنگار گفت ناراحت نیستید؟ زن گفت خیلی ناراحتم! خبرنگار گفت شما که دو پسرتان شهید شده‌اند، چرا رضایت دادید سومی هم برود؟ زن گفت ناراحتم چون پسر دیگری ندارم که به جبهه بفرستم! خبرنگار منقلب شد... آن زن، مادر سه شهید خالقی‌پور و آن خبرنگار آوینی بود!

تصویر منتخب

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به برد پرسپولیس و محرومیت ناجوانمردانه عیسی آل‌کثیر

بخواهیم می‌توانیم!

پرسپولیس تهران در حالی با برد تیم سعودی النصر به فینال جام باشگاه‌های آسیا راه پیدا کرد که ساعاتی پیش از بازی کنفدراسیون آسیا بی‌اعتنا به توضیحات ارائه شده درباره شادی پس از گل عیسی آل‌کثیر او را شش ماه محروم کرد. کاربران شبکه‌های اجتماعی ضمن ابراز خوشحالی به جهت برد قرمزها، حرکت کنفدراسیون آسیا را محکوم کردند و آن را ناجوانمردانه و مرتبط با لابی سعودی‌ها در کنفدراسیون دانستند. کاربران این حرکت کنفدراسیون را نمادی از ظلم نهادهای بین‌المللی و غیرقابل اتکا بودن آنها دانستند که نشان داد این نهادها نه حافظ منافع کشورهای دنیا که حافظ منافع کشورهای دارای ثروت و نفوذ هستند. در ادامه بخشی از واکنش‌های کاربران را در این خصوص می‌خوانید.

■ **آرش فهیم:** فوتبال، قبل از اینکه یک ورزش باشد، یک ابزار سیاسی و البته اقتصادی بوده و خواهد بود. محرومیت امروز آل‌کثیر بار دیگر این حقیقت را روشن کرد. مسابقه امروز پرسپولیس - النصر مصداق بارز «فوتبال علیه دشمن» است!

■ **کیان مهزاد:** حرکت دیروز کنفدراسیون آسیا نمادی از جفای نهادهای بین‌المللی در حق ایران مظلوم بود و برد ما نشان داد مقاومت و تلاش و ایستادگی و انگیزه و دعای خیر مردم، حتی اگر همه جهان ظلم علیه حق شوند، پاسخگو خواهد بود.

■ **محمد اکبرزاده:** پرسپولیس فقط یک تیم را نبرد، یک قدرت کثیف رو برد!

■ **سیدمحمود رضوی:** آل‌خبیث با لابی، چند ساعت قبل از بازی آل‌کثیر را از پرسپولیس گرفت، اما کل تیم پرسپولیس دست به دست هم دادند تا دل مردم ایران را شاد کنند. همه گل کاشتند.

■ **محمد نصوحی:** کنفدراسیون آسیا سه‌ساعت قبل از بازی آل‌کثیر را شش ماه محروم می کند، همانند سازمان ملل، همان جایی که پول، زور و حق وتو در آن پیروز است، ائتلاف سعودی و امارات علیه مردم مظلوم یمن را از لیست سیاه کودک‌کش‌ها خارج می کند... لعنت به پول... لعنت به آل‌سعود...

■ **احمد نادری، نماینده تهران:** از کنفدراسیون فوتبال آسیا که به ناحق عیسی آل‌کثیر، بازیکن سرشناس ایرانی را محروم کرده، انتظار می‌رود خشم میلیون‌ها طرفدار پرسپولیس را برنیانگیزد و به شائبه تکراری دریافت رشوه از عربستان را دامن نزند. مجلس با فوریت به این موضوع ورود خواهد کرد.

■ **سیدعزت‌الله ضرغامی:** پرسپولیسی‌ها دل ملت را شاد کردند. دوپینگ AFC و دلارهای نفتی عربستان هم حریف‌شان نشد. ۱۰ نفره افتخار آفریدند. آفرین به غیرت‌شان!

■ **آرامیس:** همین حس شادی و غرور بعد پیروزی رو می‌بینید؟ میلیون دلار خرج میکنن تا جلوی همینم بگیرن! همین‌قدر شادی هم به مردم ایران روا ندارن... نمی‌خوان حتی همین‌قدر هم از ایرانی بودنمون احساس غرور کنیم.

■ **کاربری با نام «حاج حیدر»:** در جهانی زندگی می کنیم که اگر پول داشته باشی، می‌تونی داعش رو استخدام کنی، هیچکس هم بهت نگه چرا! می‌تونی ملت یمن رو قتل‌عام کنی و دهنِ تمام سازمان‌های حقوق بشری رو ببندی! حتی می‌تونی چند ساعت مونده به بازی پرسپولیس النصر پول بدی که آل‌کثیر رو محروم کنن! بله تو یک سعودی کثیف هستی!

■ **سیدامیر سیاح:** درس دیشب پرسپولیس این بود: بخواهیم، می‌توانیم! حتی اگر قدرتمندان نخواهند، حتی اگر حریف نامردی کند، حتی اگر خائنان از پشت خنجر بزنند. در جنگ اقتصادی هم می‌توانیم ببریم، اگر پرسپولیسی عمل کنیم: با تدبیر و اراده و خستگی‌ناپذیر.

آ. غلام‌حسینی: همین تعصب و غرور ملی برای تیم فوتبال ایرانی رو می‌بینید؟ به همین حس روی کالاهای ایرانی برای پیروزی تو جنگ اقتصادی ای.اف.سی‌های بین‌المللی نیازمندیم.

رسانه

اگر زندگی هم کمک‌داور ویدئویی داشت

احسان محمدی، روزنامه‌نگار، در کانال تلگرام خود نوشت: فناوری VAR یا کمک داور ویدئویی به یکی از پربحث‌ترین موضوعات فوتبال تبدیل شده است و موافقان و مخالفان در نقد یا دفاع از آن هر روز با هم بحث می کنند. مهم‌ترین کلیدواژه‌ای که مخالفان به کار می‌برند این است که #هیجان بازی از بین می‌رود. بسیاری از ما هر روز در زندگی گله می کنیم که حق‌مان ضایع می‌شود، به خاطر اشتباهات دیگران ما زیان می‌بینیم، زحمت و تلاش یک عمرمان به دلیل رفتار جاه‌طلبانه یا ظالمانه یک نفر دیگر بر باد رفته است، ضرر مالی دیده‌ایم، خسارت روحی متحمل شده‌ایم و کاش «عدالتی» در کار بود. عدالتی که حق را به حق‌دار برساند که عدالت جز «قرار دادن هر چیز در جای خود» چیز دیگری نیست.

به عبارت دیگر ما همه مدعی هستیم که «عدالت» را دوست داریم، اما حقیقت این است که بسیاری از ما عدالت را تنها وقتی دوست داریم که در نتیجه رعایت آن چیزی به خودمان برسد نه اینکه فرصت و ثروتی از ما بگیرد. برای همین هنگام تصادف حتی اگر مقصر باشیم و پلیس هم ادله بیاورد، باز قبول نداریم و حس می کنیم، عدالت رعایت نشده است، اما شاید در دنیا هیچ کشوری را نتوان پیدا کرد که «ناداوری» را اندازه ما عامل شکست‌های ورزشی‌اش معرفی کرده باشد. همیشه در هر مسابقه‌ای از فوتبال گرفته تا کشتی و وزنه‌برداری ما قربانی ناداوری می‌شویم. رسانه‌ها می گویند که داورها سر ما را بریدند و عدالت را رعایت نکردند، وگرنه ما مستحق پیروزی بودیم. کمک داور ویدئویی به برقراری «عدالت» کمک می کند. از ترویج عدالت در هر شکل و سطحی دفاع کنیم حتی اگر به زیان خودمان باشد. در مقابل سیل تکنولوژی نمی‌توان مقاومت کرد. چند روز پیش سریالی در مورد زندگی در آینده می‌دیدم. زن و شوهری با هم مشاجره می کردند. بعد همدیگر را متهم کردند که دیگری شروع کننده بحث بوده، به کمک تکنولوژی و مثل کمک داور ویدئویی زمان مشاجره را به عقب برگرداندند و مشخص شد کدام یک بحث را شروع کرده است! دنیا به این سمت حرکت می کند حتی اگر ما دوستش نداشته باشیم. اگر در زندگی کمک داور ویدئویی بود، می‌شد خطاها را بررسی کرد، تصمیم‌های اشتباه را اصلاح کرد، حق را به حق‌دار رساند و «عدالت» بیشتری برقرار می‌شد، شاید این همه از زمین و زمان شاکی نبودیم و احساس نمی کردیم حق‌مان ضایع شده است! از هر سیستمی که به برقراری عدالت کمک می کند، دفاع کنیم.

تحلیل

سیاست‌ورزی در شبکه‌های اجتماعی

علی حسنلو در کانال تلگرامی «ماهنامه مدیریت ارتباطات» نوشت: تا به حال به این فکر کرده‌اید که اگر هر یک از اندام شما از بدن‌تان جدا شوند، ادامه حیات آنها چگونه خواهد بود؟ یعنی اینکه هر کدام مشغول عملکرد ذاتی خود شوند، بی‌اطلاع از نتیجه جمعی. چند دقیقه‌ای به این فضای سوررئالیستی تن بدهید. «هلن مارگتس»، استاد دانشگاه آکسفورد، به همراه «پیتر جان»، «اسکات هیل» و «طاها یاسری»، در کتابی به نام «آشفتگی سیاسی؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه به کنش جمعی شکل می‌دهند؟»، به‌خوبی به تغییر شیوه عمل سیاسی بعد از گسترش شبکه‌های اجتماعی پرداخته‌اند.

در بخشی از این کتاب مبحثی با عنوان «مرگ عضویت و تولد فرد» پیش کشیده شده و در آن می گویند احزاب و سازمان‌های سیاسی و حتی اجتماعی، دیگر کارکرد سنتی خود برای عضوگیری و کنشگری سیاسی را از دست داده‌اند، زیرا شبکه‌های اجتماعی نیاز فعالان را تأمین می کنند و هر فرد می‌تواند با کم‌ترین هزینه و وقت، بیشترین بازخورد را بگیرد، آن هم بدون اینکه درگیر اقتضائات و اصول کار حزبی شود.

شبکه‌های اجتماعی، اجتماعی عظیم از اندام‌های بی‌بدن هستند با این تفاوت که هر یک از اندام‌ها دهانی هم دارند؛ یعنی شبکه‌های اجتماعی هر چند عنوان اجتماعی را بر پیشانی دارند، به شدت بسط‌دهنده فردیت هستند و به همین دلیل به‌سرعت در حال جایگزین شدن با نیازهای سابق آدم‌ها. در این اجتماع مجازی یکی دنبال جلب فالوور است، یکی جلب‌توجه، دیگری در حال گزارش کار، آن یکی در حال تبلیغ کالای خود در همین فضا و در همین همهمه رئیس‌جمهورها نیز در حال اعلام موضعشان به دنیا، یا مشاوران در حال توییت هوایی زدن برای تکمیل جنگ‌های پشت‌پرده.

هر عضو این پیکره عظیم درگیر دنیای خود است و چندان به شمای بیرونی این کل، کاری ندارد. مهم‌تر اینکه این نمایشگاه ۲۴ ساعته فردیت، بسیار عریان‌تر از جامعه است و ناشنیده‌ها به‌آسانی شنیده می‌شوند. مشخص است فضایی که در آن تا این حد دسترسی به افراد مختلف آسان شده، امکانی ویژه برای فعالیت سیاسی است، کمااینکه مدت‌هاست در ایران هم این رویه حاکم است. مشکل بزرگی در این میان وجود دارد که سابقون سیاسی و روشنفکران هنوز نگاه خود را به این فضا تغییر نداده‌اند و تصور می کنند شبکه اجتماعی تنها یک ابزار است.

با همین دید، احزاب ایرانی، با ادامه فضای سنتی، رویه سابق خود را پیش می‌برند و در نهایت خروجی اطلاع‌رسانی کار خود را در این شبکه توزیع می کنند. تأثیر این سیاست‌ورزی سنتی اما دیگر به پایان خود نزدیک شده است، آن هم نه فقط در ایران. در شبکه‌های اجتماعی سرعت اتفاقات چنان بالاست که احزاب حتی فرصت نمی کنند ورود تشکلی به آن کنند. البته این ناشی از همان نگاه ابزارگونه به شبکه‌های اجتماعی است که باعث می‌شود احزاب از قافله عقب بمانند، زیرا مهارت اصلی موردنیاز در اینجا سیاست‌ورزی نیست، بلکه علم ارتباطات است.

این کشمکش‌های پذیرش فعالیت‌های مجازی، مختص ایران نیست و در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته تا توسعه‌یافته تمرکز روی شبکه‌های اجتماعی چنان زیاد شده که برخی احزاب و اپوزیسیون‌ها در حال انتقال بار اصلی فعالیت خود به شبکه‌های اجتماعی هستند. مشخص است که این قدرتمند شدن باعث نگرانی سیاسیون نیز می‌شود و از انتخابات امریکا گرفته، که تأثیر شبکه‌های اجتماعی موضوع همیشگی آن شده است، تا کشوری مثل ترکیه، هر کدام دنبال راه‌حلی برای مواجه هستند.

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون

۷۸

ترجمه: محمدصادق عبداللهی

دولت جدید اوکراین می‌خواست فرهنگ ارتش را تغییر دهد!

برنامه بعدیم در اوکراین دیدار با نامزد وزارت دفاع، آندریی زاگورودنیوک بود. او در میانه مناقشه روسیه و نیروهای نیابتی‌اش در دانبس، کمر همت به اصلاحات اساسی در ارتش اوکراین بسته بود. او ترجیح می‌داد از معوقات کمک‌های امنیتی امریکا برای خرید اسلحه از شرکت‌های امریکایی استفاده کند و همچنین می‌خواست کمک‌های بیشتری از امریکا برای ساختن توانمندی‌های نهادی در ارتش اوکراین بهره ببرد. با این برنامه او انتظار داشت که ثمرات این کمک‌ها در آینده چند برابر شود. در انتهای این نشست با ژنرال روسلان خومچاک، رئیس ستاد مشترک اوکراین، هم ملاقات کردم. در این دیدار مفصلاً درباره دانبس و کریمه صحبت کردیم. خومچاک نیز شدیداً از کمک‌های نظامی امریکا حمایت می کرد و تأکید داشت که فرهنگ ارتش اوکراین باید با برنامه‌هایی چون آموزش زبان انگلیسی و یکسری اصلاحات دیگر، به‌گونه‌ای تغییر کند تا از نفوذ مسکو رهایی یابد. او همچنین بسیار نگران تلاش‌های روسیه برای ایجاد قدرت نظامی در منطقه بود و این را تهدیدی برای لهستان و اوکراین می‌دانست. اینها به نظر من هم مسائل مهمی بودند که خوشبختانه زاگورودنیوک و خومچاک نیز آنها را جدی می گرفتند.

در ادامه برنامه‌ها برای دیدار با آندری بودان، رئیس ستاد تبلیغاتی زلنسکی و روسلان ریابوشاپکا، یکی از قائم‌مقام‌های او، به ساختمان اداری ریاست‌جمهوری رفتم. بودان، وکیل زلنسکی در زندگی شخصی‌اش هم بود و نمایندگی ایگور کولومویسکی را هم بر عهده داشت. بودان و دنیلیوک (که در اواسط جلسه به جمع‌مان پیوست) به شکلی آشکار با یکدیگر اختلاف داشتند و این اختلاف بعدها مقدمه‌ای بر استعفای دنیلیوک از مشاورت امنیت ملی زلنسکی در نیمه سپتامبر شد. ایوان باکانوف، وادیم پریستایکو (نامزد وزارت خارجه) و آیواراس آبراموویسیوس (رئیس یک هلدینگ دولتی که به شکلی مؤثر و اساسی پایگاه‌های صنایع دفاعی اوکراین همچون موتورسویچ و آنتونوف را کنترل می کرد) نیز همراه با دنیلیوک به جلسه آمدند. بودان تأکید کرد که اوکراین برای برنامه‌های اصلاحی‌اش روی حمایت‌های امریکا حساب جدی می کند. همچنین گفت که زلنسکی اکثریت مطلق آرا را در دست دارد، اما هر چند که هیچ کدام از افراد حلقه نزدیک زلنسکی تجربه حکومت‌داری را نداشته‌اند، اما افراد کابینه براساس تخصص‌های فنی انتخاب شده‌اند و نفراتی هم از سایر احزاب به علاوه مقامات با سابقه‌ای مثل پریستایکو در آن حضور دارند. پریستایکو در آن ایام به عنوان سفیر اوکراین در ناتو فشار می‌آورد تا اوکراین عضو ناتو شود.

در آن نشست درباره مسائل بسیاری صحبت کردیم و پس از آن گفت‌وگویی خصوصی با پریستایکو درباره سیاست خارجه به مدت ۴۵ دقیقه داشتیم. اوکراینی‌ها نیز مانند دفتر مشاور حقوقی وزارت خارجه ما نظرشان این بود که خروج ما از پیمان موشک‌های هسته‌ای میان برد موجب منقضی شدن آن پیمان شده است فلذا اوکراین می‌توانست به صورت کاملاً آزاد سیستم‌های موشکی مغایر با آن پیمان را توسعه دهد. کشورهای اروپایی هر طور که فکر می کردند اکنون اوکراین و سایر کشورهای اروپای شرقی نظر خودشان را درباره نحوه واکنش به قابلیت‌های موشکی میان‌برد روسیه داشتند.

از خطابه کلی چه حاصل؟

دکتر حسن سبحانی، استاد تمام اقتصاد دانشگاه تهران، در کانال تلگرامی خود نوشت: «اقتصاد اسلامی» از جمله مفاهیمی است که در جهان مملو از اندیشه‌ها و تفکرات متفاوت و مختلف از همی که در آن به سر می‌بریم، با عمری بیش از نیم قرن، توسط علاقه‌مندان و دانشمندانی مرتبط با خویش مورد تحقیق، تدریس و ترویج واقع گردیده و ادبیات نسبتاً مفصلی را، معطوف به تلاش‌های علمی صورت گرفته به خود منسوب نموده است. این گرایش فکری در اقتصاد، همچون هر گرایش دیگری می‌تواند و باید از ناحیه دیگران مورد نقد و بررسی قرار گیرد و از این طریق، در صورتی که ظرفیت داشته باشد، متکامل شده و به حیات خویش ادامه داده و به رشد فکری و عملی بشریت کمک نماید. نقد و بررسی هم، همانطور که سیره عقلا می‌باشد با محور قرار گرفتن مقالات و کتب و ادبیات مربوط عملیاتی می‌شود، زیرا در عرف علما و دانشمندان، مرسوم نمی‌باشد که نقد و بررسی به صورت کلی و مبهم و همچنین بدون ارجاع به منابع و مآخذ عالمانه صورت گیرد. البته ممکن است کسانی با هر انگیزه‌ای بدون عنایت به لوازم «روش شناسانه» مباحث، چنین بایسته‌هایی را رعایت نکنند، که در آن صورت مقبولیت ماندگاری را هم به‌وجود نمی‌آورند، زیرا «عالم» صرفاً و با احتیاط، به موضوع می‌پردازد و از بحث در سطح مطالب و بدون استناد پرهیز می کند.

رعایت چنین شیوه‌ای در مباحث و مجادلات عالمانه از برکات بسیاری برخوردار بوده است، زیرا هم موجب می‌شود که بحث و حتی مجادله، تخطئه محسوب نشود و هم توان علمی و ظرفیت و سعه صدر ناقدان را در قلمرو موضوع مشخص (در دانش اقتصاد یا هر دانش دیگری)، نشان می‌دهد و یادآوری می کند که افق فکری دانشمندان در پذیرش و نقد و ترویج دانش تا چه اندازه گسترده و متواضعانه است.

بر این اساس به نظر می‌رسد که پرداختن یا هجمه به یک عبارت کلی همچون «اقتصاد اسلامی»، بدون استناد به یک موضوع مشخص از آن و بدون ارجاع به مقاله یا نوشته‌ای در باره موضوع و همچنین بدون اشاره به منبع نشر و صاحب ایده و نظر، از ناحیه هر عالم بزرگواری که در حوزه یا دانشگاه درس خوانده و در فضای آن تنفس نموده است، صورت گیرد، می‌تواند امری غیرمتعارف تلقی شده و حتی به نحوی ناخواسته برچسب بیان ژورنالیستی را به‌خود اختصاص دهد.

البته چنین شیوه‌ای ممکن است مقاصد برخی از غیرعلما و غیرمتخصصان در موضوع را از طریق ترویج مکانیکی آن، تأمین نماید، اما موجبات ارتقاء و شأنیت علمی گوینده یا نویسنده خود را از حیث «روش شناسی» فراهم نیاورده و از آن حراست نمی کند و حتی می‌تواند زمینه قضاوت‌های آمیخته با صحت و سقم را در خصوص وی رقم بزند.

ما به دلیل ارادتی که نسبت به اهل علم اعم از دانشگاهی و حوزوی قائل هستیم، ضرورت لحاظ «روش» در پرداختن به موضوع مشمول «شناخت» واقع شده را، خاطر نشان نموده و متواضعانه یادآور می‌شویم از آنجا که «معرفت»، همواره از نقد همراه با وقوف به موضوع، بهره‌مند بوده و رشد و نمو و گسترش یافته است، بنابراین نقد موضوعات در اقتصاد اسلامی و نه ایراد خطابه درباره عنوانی کلی (که طی آن خواننده حتی مطلع نمی‌شود که از آن عنوان یا موضوع، چه استنباطی در ذهن ناقد وجود دارد) را مقوله‌ای لازم و موجب رفع نواقص و کاستی‌های آن دانسته و بر این باوریم که متفکران باید از آن استقبال نموده و طرح معرفت شناسانه آن را مغتنم بشمارند و این در حالی است که مطمئن هستیم برای اهالی انواع اغراض غیرمعرفتی در این قلمرو، منطقاً جایگاهی متصور نمی‌باشد.